

ستاره سرخ

عزم راسخ داشته باش
از قربانی نهراس
بر هرگونه مشکلی
غلبه کن تا پیروز
شوی .
(مائوتسه دون)

اسفند ۱۳۵۰ برابر مارس ۱۹۷۲

شماره سرخ - شماره ۱۸ - سال دوم

محمد تقی زاده چراغی ، اصغر عرب هریسی ، مناف فلکی تبریزی ، جعفر اردبیل چی
علی نقی آرش ، علیرضا نابدل ، حسن سرکاری ، یحیی امین نیا ، اکبر مؤید



عبدالکریم حاجیان



مسعود احمدزاده



مجید احمدزاده



مهدی سواویی



مهدی مفاخی

زهر خون قطره‌ای صد لاله می‌روید
وراه خلق اکنون لاله باران است
رفیقان فصل کارماست
درو بایست بدر سرخ یاران را!



مهدی نورئی



عبدالکریم مفاخی



عبدالکریم کبابی



مهدی سواویی

رفیق د بگری پرخشم می‌گوید:
د هان یاوه کوتان رافروندید
د رون پهنه خاک فلات ما
که کردش تابسانان است
و ترکش مورد تحقیر
و دهقان بلوچ د رحسرت یک کوزه آب
و یاداش عرب افسانه موش است
و مرد فارس د رما تم، که آهش نیست
د رون زاد گاهی که
تمام مرد مانش پابرجیزند
رسالت شورش خلق است
و ما هم عهد و هم سوگند می‌کوشیم
بیافشانیم بذر رستخیز خلق
بی هراس از مرگ و از زنجیر

شما نامرد مان رانست
پناهی جز د روغ و ننگ و رسوائی
گرازمرد م نی رسید
بانگ ما آزاد بگدا رید
قتل یولاد از د رظلمتکه ضحاک بکشائید . . .
ستگار زبون راجرات اینکار د ردل نیست
د رهراس مرگ می لرزد
د ردل د هلیزه های سرد و تاریکس
د ارافراز د داغ می گوید
سرب ریزد برد هانها
نقش می گارد به پیکرها
خون چگد از تازیانه
لیک کوه استوار عزم مارانست
هراس از زخم چوبین نیشه د دشمن
شکافد بانگ ما د یوار و مرد م را برد پیغام
که بند خصم باداغ و غل و زنجیر
به یولاد بین گ میتاق یاران خط نیاند از د
وقتا مرگ یاران راست
د راین پیکره خصم د رون!
تورایکم د نه یارای هم آورد پست

شمارجاله ها خاموش بنشینید!
سخن با ما است
اینک حرف مردم از زبان ما
☆
نوی مز وریگانه
که رسوائی زنگین جشن ضحاکان
تو خون آشام د زخم پلید پست
بازهم خونابه می خواهی
اگر بند مرابطیغ
تار از تار، پود از پود، بکشائید
شمارا نیست طرفی زبشم نامرد می پستی
خلف طفل د نی قزاق
بدان اینک
که فرزند ان حید ریگم از نیگار نشنستند
چه مارا ماد رتاریغ
لیاس روزم پوشانده
د رون آتش پیکار باد دشمن
چوخارا محکم و سرسخت گردانده
ورنج توده های خلق می سازد
چشمه خشم خروشان که ما داریم

د رون سرزمینی که تنی نامرد مان بر کار
بسی آزاد گان د رند و زند اندند
سرود رزم بیچید ما است .
د ر آنجا رزمجویان چون شهابی سرخ
د ل ظلمت د رید و از خروش خویش
بنظم قیروگن، چون نیزه د ار نور
شتابان، خشمگین، خونریز، شوریدند
و بر ظلمتکه ضحاک
د رفتن کاوه ها افراخت .
☆
د رون د اد گاه اهرمن اینک
حقیقت د زبیرد با پلید بیهاست
سخن مزدور قاضی می کند آغاز:
" شمارا عدل ما محکوم می سازد
جواب حرفها تا حکم اعدام است "
رفیقان بانگ میدارد:
شما د ون فطرتان خاد مین خصم
شرف یا مال و حق نادیده انگارید
عبت با اقترا گوشتید
تابان مهر را آلوده گردانید
د ل بید ار مردم بانگ حق را خوب می گیرد

سحرگاه روزهای ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ اسفند ۱۳۵۰ تن از
فرزندان انقلابی خلق بدست جلاوران حکومت فئودالها
و سرمایه داران بشهادت رسیدند .
د اد گاههای هیئت حاکمه د همتان از انقلابیون را
به حبس ابد و زند انهای طولانی محکوم ساخت .
این جنایتها و کشت و کشتار رژیم شاه
موجی عظیم از خشم و نفرت نه تنها میان فعالین سیاسی
بلکه حتی میان مردمی که هنوز د رگیرمرا زات سیا
نشده اند بوجود آورد ما است .
د رخارج کشور پس از مبارزات وسیع و همه جانبه
کنفد راسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی د ر
اکرمحیط های ایرانی، مبارزین بهنگام د ریافت خیر
اعدام انقلابیون باناثه عمیق، کینه و نفرت خود را
نسبت به رژیم ضد خلقی حاکم ابراز داشتند .
باید اندوه و تاتر را به نیروی برای د امه مبارزه قاطعتر
از پیش بدل ساخت باید تمام خیالات واهی را نسبت
به طبقات مستر حاکم از دهن د دور ساخت، تئوری های
آشتی طبقاتی، تسلیم طلبی و ریزیونیستی را که توسط
حزب تود ما ایران د اثار و اج د اده می شود عمیق تر مورد
انتقاد قرار دد . باید از این مبارزین و مبارزه آنها
آموخت و د رس گرفت و این آموخته ها را راههای عمل کرد .
از مبارزات اخیر سوئیه واقعه ای اعدام مبارزان د رسپه
فراوان می توان گرفت . باید بحث خلاق را د ر این مورد
د امن زد . ما د ر اینجاری و د آموزش از آن کمی مکت
میکنیم :
نخستین آموزش ما از روحیه ی رزمند و تسلیم ناپذیر،
روحیه ی نهرا سیدن از مرگ این انقلابیون است . آنها
با استواری و قاطعیت کامل د برابر شکنجه های وحشی
ما موران " امنیتی " ایستادند د زخم را خواهرشمرند و تا
پای مرگ به خلق وفادار ماندند .
چگونه می توان اینهمه از خودگذشتگی، این جنین
اراد هی آهنین و روحیه ی مبارزه تا آخر را توجیه کرد .
جواب به این سوال روشن است آنها با روحیه خد ست به مردم
و مبین پرورش یافته د ارتباط با مبارزه شدید طبقاتی که
د رجامعه ی ماجریان د ارد تربیت شده بودند .
مشاهده عینی د لسرو احساس روزمره ی واقعیت زندگی
هزاران انسان گرسنه و پابرهنه، مریض و بیکار، فشار و ستم
د ستگاه حاکمه هر فرد ترقی خواه و مبین پرست را منقلب
می سازد و اورا بسوی انقلاب سوق می د هد . د تاسو نزد یکی
پازندگی و مبارزه ی توده ها بهترین شرایط را برای تربیت
انقلابیون فراهم می نماید .
این واقعیات د ر د آور جامعه ی ما است که مبارزین را چنان
پرورش می د هد که د ریای چمه های اعدام بی هراس از مرگ
سرود رزم پیروزند فدای خلق را می خوانند . خدمت بخلق
و مبارزه تا آخر را باید د رمیان خلق کسب کرد .
به همین ترتیب باید گفت هر کسی که میخواهد تا آخر انقلابی
بماند باید با واقعیات زندگی توده هماد رتما س باشد و د مبارزه
طبقاتی و جریان اصلی آن شرکت مستقیم جوید .
د همین آموزش ما از آنها عمیق ساختن د رک خود از اهمیت
پیوند جنبش روشنفکران مترقی با جنبش کارگران و دهقانان
می باشد .
د رساله های اخیر بر اثر رشد مبارزه طبقاتی د رجامعه ما
تضاد بین جنبش مترقی روشنفکران و رژیم شاه حاد تر شده
است . طبقات مستر حاکم و نماینده آنها رژیم فاشیستی
سلطنتی د برابر جنبش وسیع و پردامنه روشنفکران انقلابی
مبین ماد و راه میگذارد : تسلیم و خیان و یا ناسود ی .
برای اجرای این منظور خود به عبث می کوشد از یکسو
سیاست تطمیع روشنفکران را د ر پیش گیرد و از سوی د یگر
سیاست نابودی کامل (تبعید، زندان، شکنجه، اعدام)
را بکاربرد . این تاکتیک د و گانه باید اع رزم نبوده بلکه
بقیه د ر صفحه چهارم

